



گردشگری و اوقات فراغت

<http://doi.org/10.22133/TLJ.2022.345509.1050>

ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

سید عبدالله میرخندان*

سطح چهار فقه و اصول حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت قم، قم، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۱/۳/۱۳	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۱/۴/۲۲	
واژگان کلیدی:	
سرگرمی	
ترغیب به سرگرمی	
سبک زندگی	
اخلاق اسلامی	
*نویسنده مسئول	
برای نامه: abdollahmirkhandan@yahoo.com	
نحوه استناددهی:	
میرخندان، سید عبدالله (۱۴۰۱). ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی. <i>کردشگری و اوقات فراغت</i> ، ۷ (۱۳)، ۳۷-۴۹.	
ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ https://www.usc.ac.ir	

مقدمه

بیشرفت های علمی و صنعتی شدن جوامع و در پی آن، کاهش ساعت هاکاری و افزایش اوقات بی کاری و به وجود آمدن سرگرمی های جدید، موجب توجه بیشتر افراد و جوامع به این سرگرمی ها شده است. همچنین مضرات پنهان و آشکار این سرگرمی ها و رشد جایگاه آنان در زندگی افراد تقد تقادان را در پی داشته است. این انتقادات و مضرات ممکن است سرگرمی ها را امری اساساً مذموم و لهوی مصل بنماند. در همین راستا، لازم است دیدگاه اسلامی در مورد ترغیب به سرگرمی ها بررسی شود. از آنجا که علم اخلاق زمانی جهاشمول دارد و شامل بیدار و بنایدینی است که احاد بشر آن را می فهمند، بررسی های اخلاقی در این زمینه نیز بسیار شایع و با اهمیت اند. در تحقیق پیش رو سعی کردیم ترغیب به سرگرمی ها در سبک زندگی از دیدگاه اخلاق اسلامی را بررسی کنیم؛ بنابراین این مقاله در پاسخ به این سؤال اساسی نگاشته شده که ترغیب به سرگرمی در سبک زندگی با توجه به آموزه های اخلاق اسلامی چگونه است؟ برای جواب به این سؤال، ضمن آن که تعریفی از سرگرمی، سبک زندگی و اخلاق اسلامی ذکر نمی شود به این سوالات فرعی پاسخ داده می شود: آموزه های ترغیب کننده به عموم سرگرمی ها کدام اند؟ آموزه های ترغیب کننده به برخی سرگرمی ها به صورت خاص کدام اند؟ در ضمن بررسی این دو سؤال به سؤال های دیگری نیز پاسخ داده می شود؛ از جمله این که دلالت هر یک از این آموزه های عام و خاص بر اخلاقی بودن سرگرمی تا چه اندازه است؟ علت و حکمت ترغیب به سرگرمی در منابع دینی چیست؟ بر طبق این آموزه ها، سرگرمی اخلاقی چه ویژگی هایی دارد؟

هدف اصلی این پژوهش بررسی ترغیب به سرگرمی ها در سبک زندگی از دیدگاه اخلاق اسلامی است و اهداف فرعی این پژوهش نیز واکاوی اقسام آموزه های ترغیب کننده به سرگرمی، بررسی دلالت هر یک از این اقسام بر اخلاقی بودن سرگرمی، بررسی حکمت و چرایی ترغیب به سرگرمی در منابع دینی، و نیز بررسی ویژگی های سرگرمی اخلاقی بر طبق این آموزه ها است.

پیشینه پژوهش

آنچه در مورد سرگرمی در نظریات ممتکران غیر مسلمان آمده بیشتر در علم جامعه شناسی (در مباحث مربوط به جامعه شناسی فراغت) و روان شناسی (در بحث انگیزه اعمال انسانی مانند لذت جویی و یا کار کردهای سرگرمی مانند التیام بخشی) است. روشن است که در هیچ یک از این مباحث، به آموزه های اخلاقی اسلام در ترغیب به سرگرمی توجه نشده است.

در نظریات ممتکران مسلمان نیز برخی به صورت ضمنی در لابه لای تحقیقات خود از اصول اخلاقی مربوط به سرگرمی صحبت کرده اند؛ برخی از آثار در این زمینه عبارت اند از:

- ۱) کتاب سرگرمی رسانه ای: رویکردی اسلامی، ارتباطی به سرگرمی در سیاسی ملی (۱۳۹۵) نوشته حسین شرف الدین که پیش از آن، بخش هایی از کتاب به صورت مقاله به چاپ رسیده است. در این کتاب و نیز مقالات استخراج شده از آن، مؤلف به دیدگاه اسلامی در مورد سرگرمی پرداخته است؛ اما آن را از منظر علم اخلاق بررسی نکرده و به آموزه های ترغیب کننده به سرگرمی به صورت مستقل نپرداخته است؛
- ۲) کتاب فراغت، مصرف و جامعه (۱۳۹۱) و نیز کتاب سبک های فراغتی جوانان (۱۳۹۱) نوشته محمد سعید دکانی که در آن مؤلف با رویکردی انتقادی گره کار کردهای فعالیت فراغتی در فرهنگ غربی و ورود این فرهنگ به جامعه ایرانی را نقد می کند؛ هر چند برخی فواید و ظرفیت های اوقات فراغت در این کتاب گفته شده است، اما هدف مؤلف بررسی ترغیب به سرگرمی در آموزه های اخلاق اسلامی نیست؛

میرخدان اترغیب به سرکرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

۳) کتاب شوه‌های گذران اوقات فراغت با نگارش به منابع دینی (۱۳۹۴) اثر محمد تقی خالی و عبدالرضا آشتین صدف که به حیثی و کار کردها و آسیب‌های فعالیت فراغتی و نیز تجربی راهکارها برای جلوگیری از آسیب‌های فعالیت فراغت را بررسی کرده است. در این پژوهش نیز مولفان به صورت مستقل و مستوفاترغیب به سرکرمی در آموزه‌های اخلاق اسلامی را بررسی نکرده‌اند.

روش پژوهش

در این مقاله، اطلاعات باشوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا سکوگونی گردن کسب شده‌اند؛ از همین رو این مقاله پژوهشی کیفی به‌شمار می‌رود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش توصیفی، تحلیلی است. تحلیل داده‌ها نیز به صورت تحلیل محتواست؛ زیرا در این تحقیق متن روایات و آیات و دیدگاه مفسران اسلامی و نیز غیراسلامی تحلیل می‌شود؛ پرداختن به روایات و آیات برای به دست آوردن دیدگاه اسلامی بوده و آنچه در این مقاله آمده به مترادف نظر قطعی اسلامی الهی نیست و بکارنده همد ندارد آن‌ها را فرض مسلم بداند؛ بلکه نتایج حاصله بسری را برای مطالعات بیشتر در این زمینه، گشودن آفاق بیشتر برای مخاطب و نیز بناخ به پرسش‌هایی فراهم می‌کند که در زمینه ترغیب به سرکرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی مطرح می‌شود. بر این اساس، نظریات مفسران اسلامی هم منظر اخلاق اسلامی به‌شمار رفتند؛ همچنین از آنجا که سرکرمی از مفاهیم نو ظهور است و ریشه و مثلاً آن جوامع امروزی بسری است، دیدگاه مفسران غیراسلامی در شناخت سرکرمی و تلقی‌های امروزی از آن، اهمیت داشته و بررسی شده است.

مفهوم شناسی

این تحقیق مبتنی بر بررسی مفاهیم سرکرمی، سبک زندگی و اخلاق اسلامی است. در ادامه به بررسی تعاریف این مفاهیم می‌پردازیم.

سرکرمی

سرکرمی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «حالت نفسانی و فعالیت فراغتی که به خودی خود و فارغ از دیگر امور زندگی ارزش دارد و به صورت اختیاری و خود اکتفا و به همداموری چون ایجاد تفریح، تنوع و توشن، تخلیه هیجانات، همچنان‌خواهی، استراحت، رفع سختی، گریز از یک نوانختی صورت می‌پذیرد. از آنجا که انسان مادامی که عقل و اختیار و آگاهی و قدرت داشته باشد مسئولیت نیز دارد، سرکرمی مستلزم ربانی از وظایف اساسی خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی انسان نیست» (میرخدان، ۱۳۹۸: ۳۶).

بنابر این تعریف:

- اموری مانند مناسک مذهبی از جمله زیارت، نماز، دعا و امثال آن سرکرمی نیستند؛ زیرا هدف از این امور سرگرم شدن نیست.
- اموری مانند فعالیت برای حفظ سلامتی و بهداشت، رفت و آمد در شهر، نگهداری از فرزندان و نیز شرکت در مراسم‌های خانوادگی در بیشتر اوقات اجباری هستند و اهدافی متفاوت با سرکرمی دارند و در نتیجه سرکرمی به‌شمار نمی‌روند.
- امور کاری مانند فعالیت ورزشکاران حرفه‌ای و یا بازیگران فیلم در رسانه‌ها چون در بیشتر اوقات به همد کسب درآمد و به صورت اجباری انجام می‌شوند و اهدافی غیر از سرگرمی شدن دارند سرکرمی نیستند.
- برخی از سرکرمی‌ها عمارت‌اند از: دیدن فیلم، سریال و یا مسابقه ورزشی، ورزش بگانی، بازی‌های رایانه‌ای، سرکرمی‌های مرتبط با شبکه‌های مجازی (مانند دوربین مخفی، دابسمش و امثال آن)، گردشگری و سفر، مطالعه، انواع بازی‌ها.
- سرکرمی از منظر اسلامی مستلزم ربانی از وظایف اساسی خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی انسان نیست؛ در حالی که برخی معتقدند سرکرمی‌های مدرن این خاصیت را دارند (رک. دومازوب، ۱۳۵۲: ۶-۱۹).

سبک زندگی

سبک زندگی نیز «نظام ترجیحات رفقاری» تعریف شده است (شریفی، ۱۳۹۱: ۲۷). با توجه به این که دین اسلام حضور حداکثری در زندگی انسان دارد و برای تمانی عرصه های زندگی انسان بایدها و بنیادهایی دارد، سبک زندگی اسلامی را می توان به نظام ترجیحات رفقاری بر اساس معیارهای اسلامی تعریف کرد. از تعریف مذکور روشن می شود:

۱) اموری که خارج از اختیارات انسان است مانند نژاد، رنگ چشم، انتخاب والدین، محل تولد و امثال آن، جزو سبک زندگی انسان نیست؛ به دلیل این که در این موارد برای فرد ترجیحی متصور نیست.

۲) انتخاب دین، افکار و ارزش ها از جمله ارزش های اخلاقی در عرصه سرگرمی جزو سبک زندگی به شمار می روند؛ چرا که این امور رفتار درونی و جزئی از ترجیحات افرادند.

اخلاق اسلامی

منظور از اخلاق اسلامی علمی است که به ارزش گذاری افعال و صفات نفسانی انسان از دیدگاه اسلامی می پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۵، ۲۴۰). از آنجا که ارزش گذاری اخلاقی در خصوص سرگرمی های مدرن با چالش های متعدد همراه است و در آن صرفاً قواعد کلی و اصول اساسی علم اخلاق اکتفا نمی شود، تحقیق پیش رو در قلمرو دانش اخلاق کاربردی است؛ چرا که عمده دار این مباحث دانش اخلاق کاربردی است (شریفی، ۱۳۹۰: ۸۶، ۸۸).

ترغیب به سرگرمی به صورت عام

آموزه های ترغیب کننده به سرگرمی در اسلام را می توان به دو بخش آموزه های عام و خاص تقسیم کرد. اهمیت آموزه های عام از آن روی است که معیارهای اخلاقی آن شامل تمام سرگرمی های می شود؛ در مورد آموزه های خاص، فقط در صورتی که علت ترغیب به سرگرمی خاص مشخص شود می توان حکم اخلاقی آن را برای دیگر سرگرمی ها صادر کرد.

در مورد آموزه های عام بدون ادعای حصر، می توان آموزه های کلی در ترغیب به سرگرمی را به سه بخش ترغیب به شادی و نکویش غم، ترغیب به بازی و سرگرمی و ترغیب به گذران صحیح اوقات فراغت تقسیم کرد.

ترغیب به شادی و نکویش غم

در دین اسلام شادی و خرسندی، که اثر غالب و بارز سرگرمی است، تسوده شده است. البته شادی می تواند نتیجه اموری غیر از سرگرمی نیز باشد. با وجود این، اثبات مطلوبیت شادی از منظر اخلاق اسلامی نیز با اهمیت است. یکی از چالش های اخلاقی در زمینه سرگرمی، بی هدف و غیرامتناعی بودن آن است که موجب می شود سرگرمی امری پیهوده و محل به نظر آید. با اثبات مطلوبیت شادی در شرع مقدس، می توان نتیجه گرفت که شادی به منزله اثر غالب سرگرمی امری مطلوب و مفید است و در این صورت، سرگرمی شادی آور لغو و عبث نخواهد بود. نکته دیگر، تعیین مرز شادی مطلوب و نامطلوب از منظر اخلاق اسلامی است. برای تعیین شادی مطلوب می توان از آیات، روایات و نیز تعاریف لغوی و اصطلاحی از شادی، که در بین مستکران اسلامی وجود دارد، استناد کرد؛ مثلاً در قرآن آمده است:

«ألا إن أولیاء اللہ لا خوف علیهم ولا هم یحزنون: آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بی است و نه آمان اندوگمین می شوند» (یونس / ۶۲): «از این آیه می توان نتیجه گرفت که شادی مطلوب ناشی از ایمان و تقواست.»
بمچنین در آیه ای دیگر آمده است:

میرخدان اترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

«کلیلاً تا سوا عسلی ما فاکلم و لا تفرحوا بما آتاکم» (حدید / ۲۳): «تا بر آنچه از دست شمارفت، اندوختن ننویس و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید.» از این آیه می‌توان نتیجه گرفت که غم و شادی طبیعی بدن نیست، اندوه خوردن بر گذشته‌ها و یا سر مست شدن به داشته‌ها مذموم است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۸۲).

در خصوص روایات نیز برای نمونه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ریشة عقل توانمندی است و میوه توانمندی شادمانی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۷). این روایت بر این دلالت دارد که شادی مطلوب مطابق با معیارهای عقلانی است.

بجینین یکی از تعبیرات اسلامی از شادی، واژه مرح است. این واژه در کتب لغت به شادی و نشاط زیاد (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۰۴) با شادی شدید همراه کلمه (المصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۱: ۶۹) تعریف شده است. از این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که شادی نباید مقرون به رذایل اخلاقی مانند کبر باشد. همچنین گفته شده طرب و بطر و آشربه معنی شادی خارج از حد اعتدال و شادی ناپسند است (المصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۹: ۴۸). از این تعریف نیز می‌توان نتیجه گرفت که باید در شادی کردن اعتدال و میانه روی داشت.

شادی اثر متوقع از سرگرمی است. حال اگر اثر یک سرگرمی شادی‌ای باشد که معیارهای مذکور را داشته باشد، آن سرگرمی نیز از این منظر مطلوب است و همین طور برعکس، اگر اثر سرگرمی شادی‌ای باشد که این معیارها را نداشته باشد، آن سرگرمی نیز از این منظر نامطلوب است.

ترغیب به بازی و سرگرمی

در منابع دینی، همان‌گونه که از بازی و سرگرمی نمی‌شود، به آن سفارش نیز نشده است. برای روشن شدن میزان دلالت این سفارش‌ها بر اخلاقی بودن بازی و سرگرمی، نخست باید معنای شرعی واژه لعب و لهو مشخص شود؛ چرا که بین سرگرمی و لهو و نیز بین بازی و لعب قرابت مفهومی وجود دارد.

از تعبیر قرآن و روایات به دست می‌آید که لعب فی نفسه معنای مذمومی ندارد و شامل بازی پیروده یا دارای هدف خیالی و غیرعقلانی و نیز شامل بازی‌های دارای هدف عقلانی می‌شود. نمونه این معنای عام، در آیه ۱۲ سوره یوسف آمده است. در این آیه برادران یوسف می‌گویند:

«أرسلنا معنَا غداً یَرْتَحُ وَ یَلْعَبُ» (یوسف / ۱۲): «فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند.»

در این آیه، بر یوسف و بنا بر برخی قرائت‌ها بر برادرانش، نسبت «لعب» داده شده و از سابق آفات قبل و بعد نیز برمی‌آید که یعقوب اعتراضی بدان نداشته است. برخی با استفاده از همین آیه بر مطلوبیت و ضرورت بازی و تفریح استدلال کرده‌اند. ایشان گفته‌اند که قوی‌ترین منتفی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که یوسف نیاز به تفریح داشت (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۶۸).

علاوه بر این آیه، در روایات نیز سفارش به لعب به چشم می‌خورد، مانند روایتی که می‌گوید: مؤمن شوخ و شنگ (لعب) است و منافق انخمو و عصبانی^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۵۳).

در مورد معنای واژه لهو نیز به نظری رسد مراد از لهو مشغول شدن از کاری به کار دیگر است؛ طبق این معنا، لهو فی نفسه امر مذمومی نیست و بین معنای لهو و سرگرمی، چه مطلوب و چه نامطلوب، قرابت مفهومی وجود دارد. شاهد بر این ادعا، آیات متعددی است که در ادامه به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

مورد اول، آیه ۶ سوره لقمان است که می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن یَشْرِی لَهْوِ التَّحْرِیثِ لِبِضْلٍ عَن سَبیلِ اللّٰهِ یَغْرِی عِلْمَ وَ یَجْعَلُ نُفُوسَ اَوْلَادِکَ لِهَمِّ عَذَابِ مُّهِیْنٍ» (لقمان / ۶): «و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن پیروده را خریدارند تا (مردم را) بدون (هیچ) دانشی از راه خدا همراه کنند و (راه خدا) را به ریشخند گیرند برای آتان عذابی خوارکننده خواهد بود.»

۱. أَصْلُ النُّعْلِ الْقُدْرَةُ وَ شَرَّتْنَا الشُّرُورَ

۲. الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَّعِبٌ وَ النَّافِقُ قَلْبٌ نَّخِيبٌ.

در این آیه، معنای لهو احدیث همان نخنان سرگرم کننده است و کبراه شدن از سبیل الله خارج از مفهوم لهو است. توضیح این که در قید «لیس عن...» دو احتمال وجود دارد: ۱. توضیحی بودن؛ به این معنا که قید اضلال در واقع توضیح لهو است؛ ۲. احترازی بودن؛ به این معنا که قید اضلال برای خارج کردن برخی مصادیق و افراد لهو است و همه لهو نادره و مستوجب عذاب نیستند. در اصطلاح علم اصول فقه، اصل در فیود احترازی بودن آن است و در هنگام شک در توضیحی یا احترازی بودن یک قید حکم به احترازی بودن آن می شود.

مورد دوم، آیاتی از سوره جمعه است که می فرماید: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِلًا مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه / ۹-۱۱) «و چون تجارت یا لهوی ببینند، به سوی آن روی آور می شوند و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می کنند. بگو آنچه نزد خداست از لهو و از تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است.»

در این آیات نیز مانع ذکر خدا بودن جزئی از مفهوم لهو نیست، بلکه به نظری رسد معنای لهو همان کار سرگرم کننده و غافل کننده است که در اینجا موجب غفلت از کاری مطلوب، یعنی نماز جمعه شده است؛ همچنان که تجارت نیز امری است که به خودی خود موجب غفلت از یاد خدا نمی شود. گذشته از بحث مفهوم شناسی لعب و لهو، سفارش به بازی و ورزش در منابع دینی به روشنی بر جایز بودن و بلکه مطلوب بودن این سرگرمی ها دلالت دارد. سفارش های اسلام به بازی و سرگرمی را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول در مورد بازی های کودکان است و دسته دوم به ورزش به صورت ضمنی و عام سفارش می کند و دسته سوم بازی ها و ورزش های خاصی چون تیراندازی، شتا و امثال آن را در بر می گیرد. به قسم سوم در بخش مدح و ذم سرگرمی های خاص اشاره می شود. در این بخش به سفارش های اسلام در خصوص بازی های کودکان و ورزش به صورت عام می پردازیم.

بازی های کودکان

برخی روایات در خصوص بازی معصومین در زمان طفولیت است و برخی به بازی کودکان به صورت عام اشاره دارد که شامل غیر معصومین نیز می شود. این روایات در تربیت اخلاقی و تقسیم بندی مراحل رشد (که خود بخشی منضصل در علم روان شناسی است) از دید اسلام اهمیت زیادی دارند.

برخی از روایات در مورد بازی معصومین در زمان طفولیت عبارت اند از:

«سلطان فارسی نقل می کند که بر فاطمه، حسن و حسین تعلیم السلام داخل شدم در حالی که آن دو بازی می کردند و فاطمه به مشاهده آن ها خرسند و بسیار شادمان بود...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۳۶۱).

«نقل شده است که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله امام حسین را دید که در کعبه با کودکان بازی می کند. پیامبر اکرم جلوه گرفت و یکی از دست های خود را گشود که امام حسین را بگیرد، ولی امام حسین از این طرف به آن طرف فرار می کرد، رسول خدا با حسین علیه السلام می خندید،...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۷۳).

«ابورافع می گوید من با امام حسین که کودکی بود کعبه بازی می کردم...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۹۷).

گفتنی مهم در این روایات آن است که ائمه معصومین، که دارای شأن ولایت و سرپرستی جامعه اند، نیز در کودکی خود به بازی می پرداختند و اگر بازی کردن امری مذموم بود، باید آن ها نیز از این کار خودداری می کردند.

اما همچنان که گفته شد، برخی از روایات به بازی کودکان به صورت عام (شامل معصومین و غیر معصومین) سفارش کرده اند. برخی از این روایات عبارت اند از:

۱. وَغَلَّتْ عَلَى فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ بَيْنَ يَدَيْهَا فَفَرِحَتْ بِهَا فَرَحًا شَدِيدًا...

۲. أَنْفَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى عَامٍ دُمِي إِذْ فَأَذَا بُوَ حُسَيْنٍ يَلْبَسُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيَّ (ص) أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَطَّيْدَهُ فَنَظَرَ النَّبِيُّ بِهَا حَمَامَةً وَ بِهَا حَمَامَةً وَ جَلَّ رَسُولُ اللَّهِ لِيُنَاكِدَهُ...

۳. كُنْتُ أَلَاعِبَ الْحُسَيْنِ ع وَ هُوَ صَبِيٌّ بِالْمَدَائِحِ ...

میرخدان اترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

امام صادق علیه السلام در یک دستور تربیتی می فرماید: «فرزندت را راکن که هفت سال بازی کند و هفت سال تأدیب شود و هفت سال او را همراه خویش گیر پس اگر رستخار کردید که هیچ وگرنه خیری در او نیست»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۹۲).

بجین در روایات، بانی مربوط به استحباب بازی با فرزند وجود دارد که در این روایات رفتار و بازی بچگان با فرزند توصیه شده است. برای نمونه پیامبر اکرم می فرماید: «هرسک کوذکی دارد باید با وی چون کودکان هم بازی شود»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۸۳-۴۸۴).

از این روایات می توان فهمید که در ارزیابی هر سرگرمی باید شرایط سرگرم شوند نیز در نظر گرفته شود؛ چرا که پیامبر فرموده باید در بازی با کودکان شرایط سنی روحی و عاطفی آن ها را در نظر گرفت و مانند خود آن ها با آن ها بازی کرد؛ بنابراین سن و دیگر عناصر زمینه‌ساز می تواند در انتخاب سرگرمی مطلوب در سبک زندگی مؤمنانه تأثیرگذار باشند.

در یک جمع بندی کلی، از مجموع آیات و روایات مذکور در مورد معنای لعب و لهو و نیز بازی های کودکان می توان نتیجه گرفت که این روایات بازی ها را محصور در بازی مذموم ندانسته و بازی مطلوب را امری می داند که موجب تربیت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی می شود؛ بنابراین بازی به خودی خود مذموم و ناپسند نیست، بلکه از منظر اخلاق اسلامی با شرایطی، مدوح و پسندیده نیز به شمار می رود.

توصیه به ورزش

آموزه های که در مورد ورزش در منابع دینی وجود دارد بیشتر در مورد ورزش های خاصی مانند اسب سواری، تیراندازی، شنا و امثال آن است و بخارنده آموزه های کلی را که به مطلوب بودن همبستگی های ورزشی تصریح کند نیافت. البته در برخی از آیات و روایات به دلالت التزامی و به صورت ضمنی به ورزش توصیه شده است. در این خصوص، در قرآن از تخصص های ورزش کار و قوی همگی ستایش شده است و به قرآن دیگر، مشخص می شود که این افراد اهل ورزش بوده اند و قدرت بدنی آن ها ناشی از ورزش کردن و تربیت بدنی آن ها بوده است، نه آن که قدرت بدنی شان به صورت غیرالتسلیبی و یا معجزه باشد.

نمونه ستایش تخصص های ورزش کار در قرآن، مدح طالوت در آیه ۲۴۷ سوره بقره است. در این آیه آمده است: «... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَطْنِي الْعِلْمَ وَالْجِسْمَ وَاللَّيْقُونَ مَلَكَ مِنْ شِئَاءِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۴۷). «پیامبرشان گفت در حقیقت خدا او [طالوت] را بر شما برتری داده و او را در دانش و نیروی آبدی بر شما برتری بخشیده است و خداوند پادشاهی خود را بر هر سکی که نخواهد می دهد و خدا گشته سگک داناست.»

در این آیه، یکی علل تقوی و برتری طالوت به دیگران برای کسب فرماندهی نظامی، نیروی بدنی او دانسته شده است که نشان دهنده مطلوبیت این خصیصه است. همچنین در داستان طالوت کسی گفته است که نیروی بدنی او معجزه بوده، بلکه گفته شده که او چوپانی فقیر بوده است که برای پیدا کردن کوفسندان کم شده اش از اطراف به سوی شهر آمده بوده و به خدمت پیامبر رسید بوده است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۸۵)؛ بنابراین به نظر می رسد طالوت به خاطر چوپان بودن و تربیت بدنی خودش قوی همگی بوده است.

نمونه دیگر، ستایش حضرت داوود در منابع دینی است که روایت شده به قدری قوی همگی بوده که هرگاه شیری به کوفسندان حمله می کرده، گردن شیر را می گرفته و کوفسندان را از دهان آن بیرون می کشیده^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳: ۴۴۶). در این روایت نیز چنانچه قدرت داوود غیرالتسلیبی باشد، ستایش قدرت آن معنا و مفهوم نخواهد داشت؛ زیرا امری که معجزه باشد از جانب خداست و مدح آن نیز باید مخصوص او باشد.

گذشته از این احتمالات و استدلالات، روایاتی که با صراحت مؤمنین را به ورزش های خاصی مانند اسب سواری و تیراندازی توصیه می کنند نیز مؤید مطلوبیت عموم ورزش ها هستند.

۱. وَ اَبْسَ يَلْبَسُ سَجَّ سَيْنَ وَيُؤَدَّبُ سَجَّ سَيْنَ وَ اُرْمَدُ نَفْسَكَ سَجَّ سَيْنَ فَاِنْ اَفْلَحَ وَالْاَفْلَاحُ مِنَ لَاتِغْرِيفِ.

۲. مَنْ كَانَ عَجْزَةً صَبِيًّا فَلْيَصَابْ لَ.

۳. قَدْ كَانَ الْاَسَدُ يَمْدُو عَلَى الشَّاةِ مِنْ خَمِيٍّ فَاذْكُرُوْا اَخَذُ بَرَأْسِهِ وَ اَقْلَبُ يَدَيْهِ عَمَّا ۳ فَاخْذُ مِنْ فِئ.

ترغیب به گذران صحیح اوقات فراغت

در تعالیم اسلامی، علاوه بر نکوش فرصت سوزی در گذران اوقات زندگی، به نقش و اهمیت اوقات فراغت به مترادگی از عوامل رشد و تربیت اخلاقی انسان نیز اشاره دارد. در این زمینه، سید امیر اکرم خطاب به ابوذر می فرماید: «بر خردمند لازم است که اوقات روزانش را به چند بخش قسمت کند: ساعتی که در آن با خداوند مناجات نماید، ساعتی که در آن نفس خود را محاسبه کند. ساعتی برای تکبر درباره آفتابش خداوند و بخشی از آن را برای بهره جویی از حلال قرار می دهد و این بخش قسمت های دیگر را تقویت می کند و بانه آرامش و آسایش قلب می شود»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۲۵). در روایت مشابه دیگری، امام موسی کاظم می فرماید: «بکشید اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید: اوقاتی برای مناجات با خدا، اوقاتی برای امرار معاش و کار، اوقاتی برای انس و معاشرت با دوستانی که عیوب شما را به شما بگویند و در دوستی خود اخلاص دارند و اوقاتی برای بهره جویی از لذات حلال، با این بخش اخیر برای انجام امور آن سه وقت دیگر توانایی می یابید [...]. برای خودتان بهره ای از دنیا قرار دهید، یعنی از حلالی که دوست می دارید و به شرافت شما آسپسی نمی رساند و اسرانی در آن نیست، استفاده کنید و به مدد این حلال به وظایف دینی خود برسید، چه روایت شده است که: «آن کس از ما نیست که دنیایش را برای دینش، یا دینش را برای دنیایش از دست بدهد»^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۴۰۹-۴۱۰)؛ همچنین همین روایت با اندک تفاوتی از امام رضا نیز نقل شده است (الامام الرضا، ۱۴۰۶: ۳۳۷).

در این روایات استفاده از اوقات فراغت زمینه انجام دیگر کارها، حتی کار مهمی چون عبادت دانسته شده است؛ و از این روی به اهمیت آن به مترادگی بخشی از اوقات زندگی تصریح شده است. همچنین در این روایات، به برخی حکمت های ترغیب به سرگرمی، مانند ایجاد آرامش و تجدید قوا، شکوفاتر کردن استعدادها (چراکه توانایی بافتن بر امور می مانند مناجات با خدا و امثال آن در شکوفایی استعدادهای انسان نقش دارد) و توسعه اقتصادی (چراکه توانایی در انجام مسوولیت های شغلی به توسعه اقتصادی کمک می کند)، تنوع و دوری از کارهای ملالت آور (چراکه تقسیم اوقات و توجه به پرداختن به لذات حلال در آن، خود نشان دهنده اهمیت این امور است) اشاره دارد.

نکته دیگر روایات این است که سرگرم شدن به امور حلال جایز است و شرایطی برای مطلوب بودن سرگرمی وجود دارد؛ از جمله آن که به کرامت انسان آسیب نرساند و در انجام آن اعتدال رعایت شود.

ترغیب به سرگرمی های خاص

برخی از سرگرمی های سفارش شده در زمان صدر اسلام عبارتند از: اسب سواری، تیراندازی، کشتی و شمشاد. در ادامه سفارش به این سرگرمی ها بررسی می شود.

اسب سواری و تیراندازی

از محدود ورزش هایی که به جراحات در قرآن به آن سفارش شده اسب سواری و تیراندازی است. در این زمینه در سوره انفال آمده است: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْمِضُونَ فِي صُدُورِ اللَّيْلِ وَعَدْوَكُمْ وَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ دُونِهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مُعْظِمُ دُونِهِمْ وَمَا يَتَّبِعُونَ إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ الْكَيْفِ وَأَنْتُمْ لَا تظلمون** (انفال/ ۶۰): «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بکش کنید تا با این اندازکات دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان [دیگری را بجز ایشان که شامی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد برسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانده می شود و بر شما قسم نخواهد رفت.» این آیه علاوه بر سفارش به اسب سواری، به ورزش تیراندازی نیز اشاره دارد و در احادیث «قوة» به تیراندازی تفسیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۲۵۲).

۱. عَلَى الْغَائِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى غَلْبِهِ أَنْ يَكُونَ لِرَسَائِلَاتِ سَاعَةِ يَأْتِي فِيهَا رَبُّ تَعَالَى وَسَاعَةً يَحْسَبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَسَاعَةً يَنْكُرُ فِيهَا صَنْعَ اللَّهِ وَسَاعَةً يَخْلُو فِيهَا بِحُجَّةٍ نَفْسِهِ مِنَ الْحَالِ فَإِنَّ حُدُودَ السَّاعَةِ حَتَّى يَكْتَلِبَ السَّاعَاتِ وَالنَّهَارِ لِقَوْلِهِ تَوَضَّعْ وَتَوَضَّعْ (تفريع) لَنَا

۲. اجْتَبَدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَكَاةً أَوْ بَعْضَ سَاعَاتِ سَاعَةِ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَسَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَالِمْ وَسَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِنْفَانِ وَالنَّشَاتِ الَّذِينَ يَبْرَفُونَكُمْ عِيَالَكُمْ وَيَخْلُصُونَ كَلِمَ فِي الْبَاطِنِ وَسَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلدَّاعِي فِي غَيْرِ حُرْمٍ وَبَعْدَهُ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتِ... اجعلوا لانيكم حقا من الدنيا باعنا ما تقبلي من الحلال وما لا يثلم المروة وما لا سرف فيه؛ واستنبوا بذلك على امور الدين، فاذ روي: «ليس من امن ترك دنياه لدينه، او ترك دينه لدينه».

میرخدان اترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

علاوه بر آیه ۷۰ سوره انفال، که ورزش اسب سواری را برای آمادگی در جنگ توصیه می‌کند، در روایات نیز به این ورزش حتی به قصد تفریح و سرگرمی نیز سفارش شده است. در همین زمینه، امام زین العابدین می‌فرماید: «جدم رسول خدا (ص) مسابقه اسب دوانی ترتیب داد و جایزه آن چند اوقیه طلا بود»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۴۹).

در روایت دیگری، امام باقر می‌فرماید: «رسول خدا مسابقه اسب دوانی ترتیب داده و جوایز را از مال خویش پرداخت»^۲ (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۸۷؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۲۵۵). در این روایت، نه تنها تعیین جایزه در اسب دوانی جایز شمرده شده است، بلکه پیامبر مخارج جوایز برندگان مسابقه را نیز خود به عهده گرفته‌اند. مشخص است که اگر ورزش همراه با مسابقه باشد، تمامش تفریح و لذت‌پرور خواهد بود و این سبک مورد توجه شرع نیز بوده است. به این روایات، روایات مربوط به شترسواری را نیز می‌توان افزود. در روایتی آمده است که جایزه حلال نیست؛ مگر در مسابقه شترسواری یا اسب سواری یا تیراندازی^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۰).

در چرایی و علت این سفارش‌ها می‌توان احتمالات مختلفی را در نظر گرفت. یکی از عوامل مهم سفارش به تیراندازی و اسب سواری، ارضای میل آدمی به سرگرمی به صورت اخلاقی در این ورزش‌هاست؛ زیرا اگر ارضای میل به سرگرمی هدف نبود، باید در غیر از جنگ، تیراندازی و اسب سواری ممنوع می‌شد؛ در حالی که این گونه نیست و مسابقاتی که جنبه سرگرمی نیز داشته در صدر اسلام برگزار می‌شده است. میل به سرگرمی در زمان حاضر نیز وجود دارد و باید برای ارضای آن چاره‌اندیشی کرد.

دلیل دیگری که به ذهن می‌گذرد این است که در آن زمان، برای این ورزش‌ها کارکردی مانند شلوفا کردن استعدادهای جسمی، روحی و روانی در کنار یادگیری مسائل نظامی برای دفاع از خود و محافظت اسلام و توسعه قلمروی آن متصور بوده است. در زمان حال نیز این کارکردها محدودی در مورد ورزش‌های کونالون وجود دارد و می‌تواند مشاغل و جواز اخلاقی ورزش‌های دیگر باشد.

کشتی

در برخی از روایات، گزارش‌هایی دال بر مدح ورزش کشتی وجود دارد؛ تا جایی که برخی از محققان بایلی در این خصوص در کتب روایی خود قرار داده‌اند (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۴: ۳۴۴-۳۴۶). در این روایات آمده است که «روزی فاطمه علیها السلام همراه امام حسن و امام حسین علیهما السلام به عبادت پرداخت... آنگاه پیامبر اکرم به حسن و حسین علیهما السلام فرمود: پانزیرید و با هم کشتی بگیرید. آن‌ها نیز مشغول کشتی گرفتن شدند... پیامبر در صحن کشتی می‌فرمود: آفرین بر تو ای حسن! بایک حمله، حسن را بر زمین بزن! فاطمه علیها السلام از این رفتار پیامبر اکرم تعجب کرد و علت این طرفداری را پرسید. پیامبر در جواب فرمود: دختر عزیزم! آیا راضی نیستی من بگویم: ای حسن بایک حمله حسن را بر زمین بزن در حالی که جبرئیل گوید: ای حسین! بایک حمله حسن را بر زمین بزن!»^۴ (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۴۵-۴۴۶).

۱. معادل چهل درهم (ابن مشهور، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۴۰۴)

۲. أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُجْرِي نَجِيلٌ وَبَعْلٌ فِيمَا سَجَّ أَوْاقِ بْنِ فَضَّةٍ

۳. ان رسول الله صلى الله عليه وآله سابق بين النجيل واعطى الواثق من عنده

۴. لاَ سَبَقَ إِلَّا فِي نَهْضِ أَوْ عَافِرٍ أَوْ نُصَلِّ بِعِنِّي النَّضَالِ

۵. أنالی الصدوق ۳۶۱: حدیث محمد بن موسی بن ابی‌نور قال: حدیث علی بن الحسین السعد آبادی قال: حدیث احمد بن ابی عبد الله البرقی عن ایه عن فضالة بن ایوب عن زید الشحام عن ابی عبد الله الصادق علیه السلام جعفر بن محمد عن ایه محمد بن علی الباقر عن ایه عظیم السلام قال: مرض النبی صلی الله علیه وآله المرثه انتی عونی منفا حاذت فاطمة علیها السلام سیده النساء و معها الحسن و الحسین (الی أن قال) فقال لما النبی صلی الله علیه

بمخین وارد شده است که «روزی پیامبر اکرم به صحرا رفت. در آنجا عرب سیاهان کردی را در حال چرای گوسفندانش دید که به زور و بازو معروف بود. آن مرد به پیامبر اکرم پیشنهاد کرد که با وی کشتی بگیرد؟ پیامبر اکرم این پیشنهاد را قبول کرد و یک گوسفند هم جایزه مسابقه قرار داده شد. پیامبر اکرم در جریان کشتی مرد عرب را بر زمین زد و با درخواست دوباره مرد عرب پیامبر اکرم بار دیگر با وی کشتی گرفت و باز هم او را بر زمین زد. در این هنگام مرد عرب گفت: اسلام را بر من عرضه کن تا من کسی جز تو مرا بر زمین نزده است. پیامبر اکرم اسلام را به او عرضه کرد. آن مرد مسلمان شد و پیامبر اکرم نیز گوسفندانش را به وی بازگرداند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۸۲).

بمخین روایات دیگری در خصوص کشتی گرفتن وجود دارد؛ مانند کشتی گرفتن حضرت علی با شیطان^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۲۰۸) و حوازدان به کشتی در حال احرام^۳ (طینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۶۷) که دال بر جواز آن در حال غیر احرام است؛ این روایات را نیز می توان به روایات گذشته ضمیمه کرد.

شنا

در روایات سفارش های متعددی در مورد شنا وارد شده است. در برخی گزارش ها آمده است که امام حسن و امام حسین علیهما السلام به شنا در رود فرات می پرداختند^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۳۲۰).

بمخین در روایتی از پیامبر نقل شده که بهترین سرگرمی مرد مؤمن شنا و بهترین سرگرمی زن رسیدگی^۵ است (پابنده، ۱۳۸۲: ۴۷۳)؛ بمخین ایشان می فرمایند: به فرزندان خود شنا و تیراندازی یاد دهید^۶ (طینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۷).

این سفارش ها نشان دهنده اهمیت و مطلوبیت این ورزش به مرکز سرگرمی مفید است. بمخین که برخی از محققان نیز گفته اند، امروزه باید مفهوم شنا، تیراندازی اسب سواری و حتی شترسواری را توسعه داد؛ تا آنجا که شامل مناهیمی چون چرخ سواری، موتور سواری، تمرین رانندگی نیز بشود. اگر در گذشته مناهیمی مانند شنا در آب وجود داشت، امروزه شنا در هوا نیز مطرح است و چتربازی و پرواز با بالگرد و هواپیمای نیز در خور توجه و مسابقه پرش، کوهنوردی و بالافتن از ارتفاعات نیز می تواند سرگرمی اخلاقی به شمار روند (مشتی و منطقی، ۱۳۹۰: ۹۷).

بسیج گیری

با توجه به مطالب گذشته در جواب سؤالات فرعی این نتایج حاصل شد:

و آله: قوما آلان فاصطروا فاما لیطروا وقد خربت فاطمة فی بعض حاجتها فدخلت فسمعت النبی وهو یقول: یریا حسن، شد علی الحسین فاصرعه فقلت ل: یا ابا و اعمامه، اتبع هذا علی هذا اتبع الکیبر علی الصغیر فقال لها: یا بنیه انا ترضین ان اقول لانا: یا حسن، شد علی الحسین فاصرعه وهذا حبیبی جبرئیل یقول: یا حسین، شد علی الحسن فاصرعه؟!

۱. ابن ابی جمهور فی در اللالی: و فی الحدیث ان النبی (ص) خرج یوماً الی اللبح فرأی اعراباً یرعی غنماً لکنان موصولاً بالثوبه فقال لرسول الله (ص) هل لک ان تصارعی فقال (ص) ما تسبی لی فقال شاة صرعه.

فصرعه النبی (ص) فقال لدا اعرابی هل لک الی العود فقال (ص) ما تسبی قال شاة اخری صرعه فصرعه النبی (ص) فقال لاعرابی اعرض علی الإسلام فاصرعه عن غیرک فعرض علی الإسلام فاسلم و رد علیه غنمه.

۲. تفسیر القرأت، پابنده عن ابی جعفر قال: رأی امیر المؤمنین ع علی باب شاة فصره ان الشیطان صرعه و صرعه ...

۳. سألته عن الحرم یسار ع بن یصلح لذ قال لا یصلح لذ حناه ان یسیر بجرأه اویقع بعض شتره.

۴. مرث باحسن و الحسنین صلی الله علیهما و بما فی القرأت مستفقان فی اذارین

۵. خیر لو المؤمن السباح و خیر لو المرأة المغزل.

۶. علوا اولوکم السباحة و الرماية.

میرخدان اترغیب به سرگرمی در سبک زندگی از منظر اخلاق اسلامی

۱. برخی از آموزه‌های ترغیب‌کننده عام به سرگرمی، شامل ترغیب به شادی و کوشش غم، ترغیب به بازی و سرگرمی و ترغیب به گذران صحیح اوقات فراغت می‌شوند.
۲. برخی از آموزه‌های ترغیب‌کننده خاص به سرگرمی شامل ترغیب به اسب سواری، تیراندازی، کشتی و شنای شونند.
۳. دلالت آموزه‌های ترغیب‌کننده به سرگرمی بر شرایط اخلاقی بودن سرگرمی مرمون اموری است از جمله مفهوم شناسی سرگرمی، توجه به آموزه‌های مذمت‌کننده سرگرمی مانند آنچه در مورد لهو و لعب در منابع اسلامی آمده است، توجه به این مطلب که آموزه‌هایی که در مورد سرگرمی‌های خاص هستند فقط در صورتی دلیل مطلوبیت سایر سرگرمی‌های می‌شوند که علت ترغیب به آن‌ها روشن باشد.
- علت و حکمت ترغیب به سرگرمی در منابع اسلامی شامل برخی خواص سرگرمی، مانند یادگیری و آموزش (مانند یادگیری قون نظامی و غیر آن)، تفریح و شادی، آرامیدگی و تجدید قوا، شگوفاکردن استعدادها، توسعه اقتصادی، اهمیت تنوع در زندگی و دوری از کارهای ملالت‌آور می‌شود.
- سرگرمی مطلوب چنین ویژگی‌هایی دارد: پیوده نیست و احدانی مانند ایجاد شادی مشروع، تربیت جسمی، روانی و روحی دارد، در راستای مسؤلیت‌های اساسی تعیین شده برای انسان است، حلال است، به کرامت انسان لطمه نمی‌زند، در پرداختن به آن اعتدال رعایت می‌شود.
- در نهایت در جواب سؤال اصلی مقاله این نتیجه بدست آمد که نفس سرگرمی ذاتاً امری نه خوب و نه بد است و اسلام بایان بیده‌ها و بنیادهای اخلاقی، معیارهای مطلوبیت آن رایان می‌کند؛ طبق میانات شرعی، سرگرمی‌ها خواص و کارکردهایی دارند که موجب مطلوبیت آن‌ها می‌شوند.

منابع

قرآن کریم

- آتشین صدف، عبدالرضا و فالی، محمد تقی (۱۳۹۵). شیوه‌های گذران اوقات فراغت با تکرش به منابع دینی. قم: تیانس.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). اللالی، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). انحصال، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). سنن الاصحیح، تدوین غفاری علی اکبر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). صحیح العقیول، تدوین علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- الامام الرضا، علی بن موسی (۱۴۰۶). نقده الرضا، مشهد: مؤسسه آل البیت (ع).
- المصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار العالم المصطفوی.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیخ، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بهشتی، سعید و منقعی، یگانه (۱۳۹۰). بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین علیهم السلام، اندیشه‌های نوین تربیتی، ۷ (۳)، ۱۱۴-۹۱.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). سنج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
- خمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- دومازید، ژوفر (۱۳۵۲). زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه، فرهنگ و زندگی، ۳ (۱۲)، ۱۶-۱۹.
- دکائی، محمد سعید (۱۳۹۱). فراغت، مصرف و جامعه: گفتارهای گفتارهای. تهران: نشر تیا.
- دکائی، محمد سعید (۱۳۹۱). سبک‌های فراغتی جوانان. تهران: نشر تیا.
- شرف‌الدین، حسین (۱۳۹۵). سرگرمی رسانه‌ای: رویکردی اسلامی. ارتباطی به سرگرمی در سیاهی ملی. قم: مؤسسه امام خمینی.

گردشگری و اوقات فراغت، دوره ۷، شماره پیاپی ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۱

- شربیعی، احمد حسین (۱۳۹۰). حیثیتی اخلاق کار بردی، معرفت اخلاقی، ۲ (۷)، ۸۳-۹۶.
- شربیعی، احمد حسین (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی، قم: نشر معارف.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل الیبت.
- قزاقی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
- میرخندان، سید عبدالله (۱۳۹۸). کارگردایی سرگرمی اسلامی، تهران: انتشارات میراث فرهنگی تکان.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل الیبت.



Encouraging Entertainment in Lifestyle From The Perspective Of Islamic Ethics

Seyyed Abdollah Mirkhandan¹

Abstract

Given the increasing growth of leisure and the emergence of new and modern entertainment in the human lifestyle, considering the place of these entertainments in the lifestyle is one of the moral challenges of the present age. Considering new hobbies' pros and cons, it should be clarified under what conditions these hobbies can be useful. The present research with a descriptive-analytical method seeks to study the teachings of Islamic ethics, particularly the arguments motivating entertainment in this field. This article concluded that entertainment could also be used to achieve Islamic goals. Islam, by stating the moral "should and shouldn't," sets the criteria for this desirable and valuable utilization. Accordingly, useful entertainment is not in vain even if it is in line with the essential responsibilities assigned to human beings; it is permissible, it does not harm human dignity, and moderation is observed in dealing with it. Also, according to the teachings encouraging entertainment, some of the properties and functions of desirable and useful entertainment are: learning and education, creating fun and happiness, relaxation and rejuvenation, flourishing talents, and creating economic development and diversity in life.

Keywords: Entertainment, Encouragement to Entertainment, Lifestyle, Islamic Ethics

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹. Level 4 Jurisprudence and Principles of Qom Seminary, Master of Applied Ethics, Qom Institute of Ethics and Education, Qom, Iran